

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران



بررسی رویکرد رجیو امیلیا در مدارس پیش دبستانی

نام نویسندگان:

فاطمه فاضلی^۱ و سکینه چنگال خوش^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف شناخت رویکرد رجیو امیلیا صورت گرفته است. روش انجام این مقاله مروری - تحلیلی است و منابع مورد استفاده، جست و جوی اینترنتی و منابع کتاب خانه‌ای بوده است. رجیو امیلیا نام شهری است در شمال ایتالیا که در آن با تلاش فردی به نام مالاگاتسی این رویکرد پایه گذاری شد. در این رویکرد هیچ برنامه درسی از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد و بر اساس علایق کودکان برنامه درسی طراحی می‌شود. یادگیری در این مدارس به صورت پروژه‌ای صورت می‌گیرد. این رویکرد توجه زیادی به تعامل بین والدین و مربی دارد و به نظر می‌رسد در هیچ کجای دنیا، چنین ارتباط یک پارچه‌ای در تعاملات کودکان برای یادگیری دیده نمی‌شود. این دیدگاه تحت تاثیر دیدگاه‌های پیاز، جان دیویی، ویگوتسکی و گاردنر است. در این رویکرد محیط از اهمیت زیادی برخوردار است و از آن به‌عنوان معلم سوم یاد می‌شود.

کلید واژه: رجیو امیلیا، کودک

مقدمه

مقطع پیش دبستانی را می‌توان یکی از حساس‌ترین مقاطع تحصیلی کودکان دانست، چرا که از نظر فروید سال‌های اولیه زندگی پایه و اساس سالهای بعدی زندگی را تشکیل می‌دهد (حجازی و سیف، ۱۳۷۸). دلیلی که برای آموزش پیش از دبستان وجود دارد این است که کودکان در حین آموزش پیش از دبستان تجربه‌هایی را بیاموزند که ممکن است در خانه نتوانند از چنین تجربه‌هایی برخوردار باشند. از آنجا که تجربه‌های پیش از دبستان تاثیر مثبتی بر تحول کودکان خواهد گذاشت (دومان، ۱۹۸۴، رسکورا، ۱۹۹۱، پاندی، ۱۹۹۱). بنابر این ما در دوره پیش از دبستان باید به دنبال

^۱. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی گرایش پیش دبستانی و دبستانی، پردیس فاطمه الزهرا (س) بندرعباس، www.f.fazehi۷۳@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی گرایش پیش دبستانی و دبستانی پردیس فاطمه الزهرا (س) بندرعباس



رویکردهایی باشیم که فرصت تجربه‌های عملی را برای کودک فراهم آورد.

مقاله حاضر نیز سعی بر آن دارد که با معرفی رویکرد رجیو امیلیا گامی موثر در ایجاد محیط‌های فعال و خلاق، همراه با تجربه‌های عملی برای کودکان پیش از دبستان فراهم آورد. این مقاله به روش مروری - تحلیلی انجام شده است. رویکرد رجیو امیلیا چیست؟

رویکرد رجیو امیلیا، (Reggio Emilia Approach)، یک فلسفه‌ی آموزشی است که بر آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی تمرکز دارد. رجیو امیلیا شهری است در شمال ایتالیا که در آن با تلاش فردی به نام لوریس مالاگاتسی، رویکرد آموزش خلاقانه‌ی بنیاد نهاده شد و در جهان گسترش یافت.

تمرکز این رویکرد بر آموزش کودکان در دوران پیش‌دبستانی به گونه‌ای خلاق است. از آنجا که پرورش خلاقیت در سال‌های آغازین زندگی پیامدهای مهمی را در بزرگسالی فرد دارد و پژوهشگرانی چون گاردنر (۱۹۹۳)، بیان می‌کنند افرادی که از خود ابتکارات و توانایی‌های خلاق را در کودکی اولیه نشان داده‌اند بعدها در زندگی بزرگسالی دوباره این خلاقیت را از خود بروز خواهند داد.

رویکرد رجیو امیلیا نیز سعی دارد با پرورش خلاقیت کودکان زمینه بروز خلاقیت در دوران بزرگسالی را فراهم کند. کودکان خلاق در تشخیص مسائل، از دیگران پیش می‌افتند. این چنین کودکان مسایل را با انعطاف‌پذیری حل می‌کنند. از چالش‌های ناشی از فعالیت‌های بدون نقطه‌ی پایان لذت می‌برند. در این رویکرد کودک، پدر، مادر و محیط، مهم‌ترین نقش را در آموزش بر عهده دارند.

رویکرد رجیو امیلیا آموزش کودکان را بر پایه احترام، مسولیت و مشارکت از طریق کاوش و پویا به پیش می‌برد. مالاگاتسی اساس روش خود را در مفهوم «صد زبان کودکی جست و جو می‌کرد» که کودک برای فهم خود از موضوع مورد علاقه آزاد است از هر حواسی که بخواهد کمک بگیرد. درک و دریافت‌شان را با هر زبانی از نقاشی گرفته تا پیکرتراشی، نوشتن و بازی کردن بیان کنند.

در برنامه رجیو به ارتباط متقابل میان والدین، کودکان و مربیان بسیار توجه می‌شود و همه‌ی این گروه‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی در آموزش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

سطح اضطراب در کلاس‌های رجیو پایین است. به‌ویژه اضطرابی که توسط مربی ایجاد می‌شود چون برنامه‌درسی از پیش طراحی شده‌ای وجود ندارد. به گفته‌ی فیف و فورمن برنامه‌درسی توسط کودکان به وجود می‌آید و توسط معلم شکل می‌گیرد و فرم و قالب می‌یابد، (۱۹۹۸)؛ و این بدان معناست که معلم و سیستم آموزشی به تاثیرگذاری کودکان، بر آنچه قرار است یاد بگیرند، معتقداند و می‌دانند که لحظات، آستن زیبایی‌ها و پیچیدگی‌هایی است که نباید از دست داد.

در این رویکرد برنامه‌درسی آن چیزی است که در فضای آموزشی رخ می‌دهد و عملاً یک برنامه از پیش تعیین شده از سوی معلم نیست. در برنامه‌درسی از پیش طراحی شده فرصت بروز ایده‌های نو از کودک گرفته می‌شود. ولی در



رویکرد رجیو معلم به دانش آموز گوش می‌دهد و حرکات و علایق او را زیر نظر می‌گیرد و در تعاملی که با والدین دارد برنامه‌درسی را طرح‌ریزی می‌کند که متناسب با علاقه دانش آموز باشد. برنامه درسی در این رویکرد، پس از اجرا کاملاً قابل ثبت می‌باشد نه پیش از آن.

در برنامه درسی از پیش طراحی شده سلسله مراتب آموزشی، موضوعاتی که امروز باید روی آنها کار کرد، امکانات مورد استفاده همه و همه از قبل مشخص می‌گردد. این امر امکان استفاده از فرصت‌های زمان حال، افکار کودکان و ایده‌های جدید را حذف می‌کند (فتحی واجارگاه، عارفی، ترقی جاه، ۱۳۸۸).

در این مراکز هنر وسیله‌ی اولیه است و اهمیت زیادی دارد. به کمک هنر می‌توان کودکان را شناخت. در این مراکز تعامل زیادی بین والدین و مربی وجود دارد به نظر می‌رسد در هیچ کجای دنیا، چنین ارتباط یک پارچه در تعاملات کودکان برای یادگیری دیده نمی‌شود. این شیوه‌ی آموزشی تحت تاثیر دیدگاه‌های پیائزه، جان دیویی، ویگوتسکی و گاردنر است. روش رویکرد رجیو، یک روش اکتشافی است. روشی که زمینه‌ی بروز و ظهور قدرت‌های درونی کودکان را فراهم می‌سازد. سبب رشد اجتماعی، علمی، ادبی، اخلاقی و هنری آنان می‌شود. این رویکرد از طریق اجرای پروژه‌ها سبب یادگیری عمیق در کودکان می‌شود. از آنجا که مربی باید رغبت‌ها و گرایش‌های کودک را در نظر بگیرد و با هدایت آنها از اجبار و تحمیل خودداری کند (طبق اصول تربیتی جان دیویی)؛ بنابراین عنوان پروژه‌ها توسط مربیان و با توجه به شنیدن مکالمات، خاطرات و داستان‌هایی که بچه‌ها بازگو می‌کنند و مشورت والدین به وجود می‌آید.

دیویی معتقد است که در آموزش دوره‌های مختلف تحصیلی باید به امر حسی و عینی تاکید شود و فعالیت و تجربه فرد محور برنامه‌ها باشد. از این رو در رویکرد رجیو امیلیا پروژه‌هایی که انتخاب می‌شوند باید قابلیت اجرا داشته باشند تا کودک آن را حس کند و به طور عینی ببیند و دست به فعالیت و تجربه بزند.

در اجرای هر پروژه بچه‌ها به صورت گروهی روی موضوعی کار می‌کنند و مدت‌زمان آنها متفاوت است. کودک با قرار گرفتن در کنار دیگران و برقراری ارتباط، احساس ارزشمند بودن در او قوت می‌گیرد در نتیجه اعتماد به نفسش افزایش می‌یابد. برقراری ارتباط با دیگران این امکان را به کودک می‌دهد که رفتارهای مطلوب و نامطلوب اجتماعی را در خود و دیگران تشخیص دهد (سعادت مند). اجرای این پروژه‌ها به ساخت دانش توسط خود کودک کمک می‌کند و چگونه یاد گرفتن را می‌آموزد.

دیویی اظهار می‌دارد که پروژه‌ها باز سازی‌هایی هستند که به کودک امکان می‌دهند تا کشف‌ها و بحث‌های گروهی که با بازنمایی و بیان‌ها پیگیری می‌شوند را تجربه کنند (گلسمن ولی ۲۰۰۵). این بازنمایی‌ها و ابرازها معمولاً در قالب مواد هنری مختلف ایجاد می‌گردند. کار پروژه‌ای به‌عنوان جست‌وجوی عمیق موضوعی توصیف شده است (کنز، ۱۹۹۸) که کودکان را در جست‌وجوی پاسخ برای سوال‌های خود یا سوال‌هایی که با همکاری معلم به وجود آورده‌اند درگیر می‌کنند (کنز و چارد، ۲۰۰۰).

در رویکرد رجیو امیلیا کودکان در پی کشف سوالات خود به فعالیت و تجربه عملی می‌پردازند و تا رسیدن به پاسخ



تلاش می‌کنند.

کودکان در اجرای این پروژه‌ها باید زمان کافی برای بیان یادگیری، اکتشاف، بست و بازنگری داشته باشند. در مدارس رگیو امیلیا زمان توسط ساعت تعیین نمی‌شود بلکه نیاز و علاقه کودک است که زمان آغاز و پایان فعالیت‌ها و چگونگی مدیریت زمان را تعیین می‌کند.

مستند سازی دیگر ویژگی اصلی در برنامه رگیو است. از آنجا که یکی از بهترین فرصت‌ها برای تشخیص خلاقیت، مشاهده و ثبت فعالیت کودکان در خلال انجام این پروژه‌ها است؛ بنابراین در مدارس رگیو امیلیا مربیان با استفاده از امکاناتی نظیر دوربین عکاسی، فیلم برداری، ضبط صوت و کاغذ و قلم به ثبت و ضبط افکار و ایده‌ها، احساسات، عواطف و تجربیات کودکان می‌پردازند.

محیط در مدارس رگیو امیلیا

طراحی محیط فیزیکی در مراکز پیش‌دبستانی باید به گونه‌ای باشد که برای کودک مطلوب، شادی‌بخش و برخوردار از حداقل امکانات لازم باشد. استفاده مناسب از فضای فیزیکی در موفقیت برنامه‌های یک مرکز اثرگذار است (سعادت‌مند، سرلک، ۱۳۹۳).

در الگوی رگیو امیلیا نیز به محیط اهمیت زیادی داده شده و از آن به عنوان معلم سوم یاد می‌شود. محیط در این مدل منعکس کننده فلسفه‌ی تربیت‌کننده جان‌دیویی و نظریه یادگیری اجتماعی ویگوتسکی است. به گفته‌ی کادول همه‌ی قسمت‌های محیط، مهم‌اند و هیچ فضایی حاشیه و بی‌اهمیت تلقی نمی‌شود.

مالاگاتسی معتقد است: که کودک دارای عقل، احساس، حرکت و فیزیک اجتماع است. پس باید محیط را به گونه‌ای طراحی کنیم که همه جنبه‌های رشد را داشته باشد و آن‌ها را با هم پیش ببرد. محیط یعنی خانه، شهر، محله و هر آنچه پیرامون کودک است و آموزش منحصر به مهد کودک نمی‌شود. آنچه می‌خواهی کودک بیاموزد برایش در محیط پخش کن و فرصت بده که به شیوه غیر مستقیم آن را جذب کند.

با ورود به مراکز رگیو مفهوم فضایی دلپذیر با طراحی زیبا، هماهنگ، مملو از آرامش که تسهیل‌گر ارتباط، تعامل و اکتشاف است. به کودکان به عنوان موجوداتی کنجکاو، خیال‌پرداز، خلاق، شایسته و توانمند احترام می‌گذارد.

در مدارس رگیو کودک محدود به فضای مدرسه و کلاس نیست. بلکه برای انجام پروژه‌ها وارد جامعه می‌شود و در شهر و محله به دنبال راه حل مسئله خود می‌گردد و معلم نیز در این راه نقش راهنما را دارد.

اگرچه امروزه آموزش موسیقی در بیشتر مدارس موضوعی فراموش شده است، اما در مدارس رگیو امیلیا به این موضوع توجه شایانی شده و موسیقی در کلاس درس پخش می‌شود. این بدان دلیل است که پخش موسیقی در کلاس‌های درس، کودک را سازنده، بانشاط، باتمركز، تحمل و آمادگی بیشتر در مقابل مسائل قرار می‌دهد (سعادت‌مند،

سرلک، ۱۳۹۳).

با توجه به این که رشد هوش موسیقایی در سنین کودکی از سرعت بالایی برخوردار است اگر روند آموزش و یاددهی با ریتم، وزن و آهنگ همراه باشد، درک مفاهیم آموزشی برای کودک سهل تر خواهد بود. همچنین از دیدگاه روان شناسی تعلیم و تربیت استفاده از موسیقی برای کودک هدف نیست، بلکه ابزاری برای آموزش و پرورش کودک است. نظم موجود در موسیقی، تکرارها و فاصله ها که باقاعده صورت می گیرد به کودک کمک می کند که نظم و قواعد موجود در سایر علوم را کشف و درک کند (سعادت مند، سرلک، ۱۳۹۳).

همچنین اکثر کلاس های درس رگیو، شامل یک استودیو یا کارگاه هنری است که موادی مانند خاک رس، رنگ و ابزار نوشتن در آن قرار دارد. با استفاده از این مواد کودکان را برای یادگیری مفاهیمی که پیش نیاز نوشتن است آماده می کنیم.

ساختمان آموزشگاه از نور طبیعی روشنایی می گیرد و گیاهان و آینه ها همه جا به چشم می خورند. کارهای دستی کودکان بر روی زمین دیوارها خود نمایی می کند. در وسط ساختمان فضای بزرگی وجود دارد که از آن به عنوان فضای پلازا (plaza) یاد می شود. در این فضا کودکان با یکدیگر ملاقات کرده و بازی می کنند و اتاقک تعویض لباس و نمایش عروسکی نیز در این مکان وجود دارد که در آن کودکان خود نمایش عروسکی اجرا می کنند و این به ایجاد اعتماد به نفس و استقلال در کودکان کمک می کند.

قسمتی دیگر از فضا را آتلیه تشکیل می دهد که کودک در آن به کارهای هنری خلاقانه می پردازد. فضای آشپزخانه و غذاخوری نیز از فضاهای مهم ساختمان است که خود، نقش یک واحد آموزشی را برای کودک ایفا می کند. در این مدارس بین آشپزخانه و سایر قسمت ها پنجره های بزرگی با شیشه های شفاف وجود دارد و این امکان را برای کودک فراهم می آورد که آشپزها را در حین تهیه غذا مشاهده کنند.

فضای بازی و حیاط نیز نزدیک پلازا است و کودک در همه ی اوقات می تواند به آن دسترسی داشته باشد. به عقیده کروس، بازی یک سلسله پیش تمرین عمومی است که هدف آن فراهم ساختن رفتارهایی است که کودک در زندگی بزرگ سالی خود به انجام آنها می پردازد. بازی نه تنها می تواند به کودک برای رفع نیازهای جسمی او کمک کند، بلکه فرصتی به وجود می آورد تا کودک بتواند از لحاظ روانی نیز ارضا گردد. بنابراین معلم باید در انتخاب بازی ها توجه بسیاری کند. در مدارس رگیو نیز بیشتر از بازی هایی استفاده می شود که شرایط لازم را برای تحقق این اهداف فراهم آورد.

بازی هایی که در مدارس رگیو استفاده می شود به گونه ای است که در آن ها مفهوم برد و باخت مطرح نیست و کودکان به صورت دسته جمعی این بازی ها را انجام می دهند. مفهوم رقابت در بین آنها وجود ندارد و این امر انگیزه ی صلح و دوستی را در کودکان بالا می برد و نه مفاهیم مبارزه و از میان بردن.

حیاط اگر چه مکانی برای بازی کودک است ولی حیاط نیز خود به عنوان یک مکان آموزشی تلقی می شود. در واقع



حیاط، کلاس بدون سقف است.

در این مدارس قسمتی از فضا به مربیان اختصاص دارد که محل گفت‌وگو، بحث، مطالعه و استراحت مربیان است. هر مرکز رجیو شامل یک سالن ورودی مناسب جهت خوش‌آمدگویی برای والدین است که این ارمغان را برای والدین فراهم می‌آورد که این مراکز علاوه بر کودکان متعلق به آنها نیز است. وجود نیمکت‌هایی برای نشستن والدین، تابلوهای نصب شده که اطلاعاتی در باره طرح‌های مرکز، فهرست رخدادهای، اسامی مربیان و پیام‌هایی که انعکاسی از زندگی کودکان است به چشم می‌خورد.

مربی در مدارس رجیو املیا

در مدارس رجیو املیا دو مربی هم‌زمان به صورت کاملاً برابر در کلاسی متشکل از ۲۵ دانش‌آموز کار می‌کنند. مربیان زیر نظر یک متخصص آموزش می‌بینند و به صورت هفتگی با او ملاقات می‌کنند از او مشورت می‌گیرند. مشاهده دقیق کودکان، ارائه سوال‌های بجا و مستندسازی از فعالیت‌های دانش‌آموزان از جمله وظایف اصلی مربیان هستند. مربیان خود نیز در فرایند یادگیری درگیرند و تلاش می‌کنند با آماده‌سازی شرایط، خود کودکان دانش را خلق کنند. یکی از نکات مهم این رویکرد این است که معلم سعی در ایجاد مسئله نمی‌کند، ولی از آن‌جا که فضای واقعی زندگی در مدرسه جریان دارد، مسائل مختلف در حین فعالیت کودکان به وجود می‌آید. معلم تنها مسئله را باز می‌کند کودک خود راه‌های مختلف را جست و جو می‌کند و دست به حل مسئله می‌زند. معلمان و اولیا در جلساتی که برگزار می‌کنند پیرامون اتفاقاتی که در کلاس رخ داده است صحبت می‌کنند و مستندهای ساخته شده از فعالیت دانش‌آموزان را به آنها نشان می‌دهند. این امر به بازشناسی بسیاری از موقعیت‌هایی که در همان لحظه اول ساده انگاشته شده است کمک می‌کند. این هم‌فکری و گفت‌وگوها این امکان را برای مربی فراهم می‌کند که به تفسیر غنی‌تری از موقعیت دست یابد. تمام این بازبینی‌ها جهت شناسایی موقعیت‌های تازه برای یادگیری کودکان صورت می‌گیرد. معلم در این مدارس دارای ویژگی‌های مهمی از جمله نگاه یادگیرندگی در تمام لحظات و مراحل زندگی، قائل نبودن زمان و مکان خاص برای یادگیری، فرضیه‌سازی و ساخت دانش به‌عنوان عناصر لازم برای یادگیری فعال، صبر، شهامت و ورود به عرصه‌های جدید از دیگر مشخصه‌های معلمان در این رویکرد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

رویکرد رجیو املیا اهمیت زیادی برای پرورش خلاقیت کودکان در سنین اولیه زندگی قائل است و از آنجا که



خلاقیت در دوره‌ی اولیه زندگی تاثیر بسزایی در بروز خلاقیت بزرگ‌سالی دارد. استفاده از این رویکرد در مدارس می‌تواند بسیار مفید واقع شود. هم‌چنین استفاده از برنامه‌درسی به صورت پروژه‌ای از دیگر ویژگی‌های این رویکرد به شمار می‌آید که باعث می‌شود کودکان در جریان انجام پروژه‌ها و همکاری با دیگر همسالانش چیزهایی بیاموزند که شاید امکان یادگیری آن در جای دیگری فراهم نباشد. از آنجا که این رویکرد توجه زیادی به تعامل بین والدین و مربی دارد این امر می‌تواند فواید زیادی در آموزش کودکان داشته باشد از جمله اینکه باعث افزایش موفقیت تحصیلی کودک، بهبود نگرش‌های کودک و کاهش مشکلات انضباطی در کودک می‌شود و این فرصت را برای والدین فراهم می‌کند که فرصت‌های یادگیری را هم‌زمان با رشد کودک فراهم سازند.

منابع

فتحی واجارگاه، کورش، عارفی، محبوبه و ترقی جاه، علی، (۱۳۸۸). مطالعه چگونگی شکل‌گیری برنامه درسی برآمدنی با الهام از رویکرد رجیو امیلیا برای کودکان ۶ تا ۸ سال، مطالعات تربیتی و روانشناسی.

حمیدپور، حسن، حسینی، علی، پژوهنده، علی، (۱۳۸۸). نقش آموزش پیش‌دبستانی در یادگیری مهارت‌های روانی-حرکتی و سازگاری اجتماعی، مجله علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره پنجم، شماره ۳.

سعادت‌مند، زهره، سرلک، ناهید، (۱۳۹۳)، برنامه درسی آموزش و پرورش پیش‌دبستان. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران